

## The Genre Analysis of Holy Defense Poem after the End of War (1989-1990) and the Role of Socio-historical Hypertext in It

Sepideh Yeganeh<sup>1\*</sup>, Mahin Panahi<sup>2</sup>

1 Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: s.yegane@alzahra.ac.ir

2 Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Full Paper

**Article history:**

Received: 2023-11-16

Accepted: 2024-1-2

**Keywords:**

Holy Defense Poetry  
Socio-historical Hypertext  
Elegy  
Descriptive-vernacular  
Poetry  
Critical Poetry

---

### ABSTRACT

Holy defense poetry represents the significant subbranches of contemporary poetry emerging in a symmetrical relationship with the historical hypertext of the Iraq war against Iran. As the war concludes, holy defense poetry continues to evolve, shifting from the phenomenon-based approach to the consequence-based one. Thus, this time (1989-1990) can be called a transition period. The poetic movement of holy defense poetry is classified under the lyric poetry category. This period is an appropriate context for being influenced by the socio-historical hypertexts of the imposed war. The martyrdom of individuals, the return of prisoners of war, and the deviation of certain groups of people from the ideals of the Islamic revolution are three main three hypertexts. These hypertexts and their impacts on the community have the greatest influence on the formation of the genre of holy defense poetry after the war. This genre comprises three subgenres that have continued after the war. They include the subgenre of mourning, the subgenre of description and veneration, and the subgenre of critiquing. In the subgenre of mourning, poets keep on the trend of composing elegy for the martyrs of holy defense war. In the subgenre of description and veneration, besides describing the war and the valor of warriors, poets venerated the prisoners of war released from Iraq's jails. Lastly, in the subgenre of critiquing, the poets take on the mantle of society's vigilant conscience monitoring the shortcomings. Then, they elaborate on these defects in their poetic discourse. Alireza Ghazveh, Simindokht Vahidi, and Majid Nezafat were highly productive poets of this genre after the war and Ghazal was the most common verse form in the examined period.

---

**Cite this article** Yeganeh, S., Panahi, M. (2024). The Genre Analysis of Holy Defense Poem after the End of War (1989-1990) and the Role of Socio-historical Hypertext in It. *Social Issues in Persian Literature*, 2 (1), 71-86.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/SIPL.2024.192800

---



انجمن علمی زبان ادب فارسی

فصلنامه اجتماعیات در ادب فارسی

سال دوم / شماره مسلسل پنجم / زمستان ۱۴۰۲ / صفحات: ۸۶-۷۱



## تحلیل ژانریک شعر دفاع مقدس پس از خاتمه جنگ (سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹)

### و نقش فرامتن تاریخی - اجتماعی در آن

سپیده یگانه<sup>۱\*</sup>، مهین پناهی<sup>۲</sup>

۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران، رایانامه: s.yegane@alzahra.ac.ir

۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> شعر دفاع مقدس فرامتن تاریخی - اجتماعی سوگ - سرایی شعر توصیفی - تکریمی شعر انتقادی</p>	<p>شعر دفاع مقدس از زیرجریان‌های شعر معاصر است که در ارتباطی تناظری با فرامتن تاریخی جنگ عراق علیه ایران شکل گرفته و با خاتمه جنگ، سیر تطور خود را با عبور از پدیده محوری به سوی رویکرد پیامدمحور ادامه داده است تا آنجا که می‌توان سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ را دوره گذار شعر دفاع مقدس نامید. این جریان شعری ذیل ژانر شعر غنایی قرار می‌گیرد و این بازه زمانی بستر مناسبی برای تأثیرپذیری آن از فرامتن تاریخی - اجتماعی جنگ تحمیلی است. سه فرامتن «شهادت افراد»، «بازگشت اسرا» و «انحراف‌های اقشاری از مردم از آرمان‌های انقلاب اسلامی» و تأثیر آن‌ها بر اجتماع، بیشترین تأثیر را در شاکله ژانریک شعر دفاع مقدس در سال‌های پس از جنگ داشته است که به ترتیب عبارتند از: تداوم زیرژانر «سوگ‌سرایی»، شکل‌گیری «زیرژانر تلفیقی توصیفی - تکریمی» و تداوم «زیرژانر انتقادی». شاعران در زیرژانر سوگ‌سرایی روند مرثیه‌سرایی برای شهدا را در شعر دفاع مقدس ادامه می‌دهند، در زیرژانر توصیفی - تکریمی ضمن توصیف جنگ و جنگاوری رزمندگان، آزادگان را تکریم می‌کنند و در زیرژانر انتقادی در جایگاه وجدان بیدار جامعه کاستی‌ها را رصد و با زبان شعر تبیین می‌کنند. علیرضا قزوه، سیمین دخت وحیدی و مجید نطافت بیشترین سروده‌های سال‌های پس از جنگ را در کارنامه خود دارند و قالب غزل، رایج‌ترین قالب شعری در دوره مورد بررسی است.</p>

**استناد:** یگانه، سپیده؛ پناهی، مهین (۱۴۰۲). تحلیل ژانریک شعر دفاع مقدس پس از خاتمه جنگ (سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹) و نقش فرامتن تاریخی - اجتماعی در آن. نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۲ (۱)، ۸۶-۷۱.

DOI: 10.30488/SIPL.2024.192800

ناشر: دانشگاه گلستان

© نویسندگان.



## مقدمه

شعر دفاع مقدس هم‌زمان با آغاز جنگ عراق علیه ایران و حول محور فرامتن تاریخی «جنگ» شکل گرفت اما با خاتمه آن، به پایان نرسید، زیرا جنگ به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی، دارای ابعاد گسترده «سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی - روانی» است که دامنه برخی از آن‌ها گسترده‌تر از بعد تاریخی آن است. از این‌رو پایان جنگ به‌منزله توقف پیامدهای آن، به‌ویژه در زندگی اجتماعی نیست و شعر دفاع مقدس به‌عنوان منعکس‌کننده این پیامدها، پس از دوران جنگ به روند خود ادامه داده و تا امروز پیش آمده است.<sup>۱</sup> هدف از این پژوهش واکاوی نمود فرامتن جنگ بر شعر دفاع مقدس در سال‌های پساجنگ است؛ این‌که با پایان جنگ، کدامیک از ابعاد این رویداد تاریخی در جریان شعر دفاع مقدس تداوم می‌یابد و نقش اصلی را در بقای آن برعهده دارد. گستره زمانی این پژوهش شامل دو سال پس از خاتمه جنگ (۱۳۶۸ و ۱۳۶۹) است که می‌توان آن را دوره گذار شعر دفاع مقدس از رویدادمحوری به پیامدمحوری دانست.

در راستای این پژوهش با بررسی مجموعه شعرهای فردی یا گروهی منتشر شده و بر اساس تاریخ سرایش اشعار در بازه زمانی مورد نظر، ۳۰ سروده به عنوان جامعه آماری از شاعران زیر به دست آمد که به ترتیب تعداد آثار عبارتند از: علیرضا قزوه، سیمین دخت وحیدی، مجید نضافت، حسین اسرافیلی، سعید بیابانکی، مصطفی علی‌پور، مشفق کاشانی و موسوی گرمارودی. پس از آن سروده‌ها بر اساس معیار ژانرهای ادبی، طبقه‌بندی و ارتباط تناظری آن با فرامتن مسلط بر سروده‌ها، ارزیابی شد. بر این اساس شعر دفاع مقدس به عنوان یک جریان شعری فرامتن‌محور در این دوره، بیش از همه تحت تأثیر فرامتن تاریخی - اجتماعی است و تسلط ژانر<sup>۲</sup> غنایی بر شعر سال‌های ۶۸ و ۶۹ و تفکیک آن به زیرژانرهای «سوگ‌سرایبی»، «توصیفی - تکریمی» و «انتقادی» بر همین اساس، قابل تحلیل است.

## پیشینه پژوهش

در زمینه شعر دفاع مقدس پژوهش‌های متعدد در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله در دست است که از آن جمله می‌توان به کتاب نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس (۱۳۷۷) از منوچهر اکبری اشاره کرد که شامل تحلیل محتوای سروده‌های سال‌های ۵۹ تا ۶۴ است. علیرضا کافی در دستی بر آتش (۱۳۸۱) شعر دفاع مقدس را در دو دوره جنگ و پس از آن از نظر ساختار و محتوا بررسی کرده است. در بررسی شعر دفاع مقدس (۱۳۸۵) از علی مکارمی‌نیا، نویسنده به جریان‌شناسی شعر دفاع مقدس در بازه زمانی ۵۹ تا ۶۷ پرداخته است. نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (۱۳۸۵) و ادبیات دفاع مقدس (۱۳۹۰) از محمدرضا سنگری شامل تعاریف اصطلاحات، ویژگی‌های سبکی و معرفی قالب‌های شعر دفاع مقدس است. مبرهن است که مقالات و پژوهش‌های دانشگاهی متعددی در این موضوع در دسترس علاقمندان است و از این رو از ذکر نام آن‌ها صرف نظر می‌شود. آنچه در بررسی پیشینه پژوهشی شعر دفاع مقدس مغفول مانده آن است که سیر تطور شعر دفاع مقدس به ویژه در سال‌های پس از جنگ تحت تأثیر چه فرامتن‌هایی تداوم یافته و چه تغییر و تحولات ژانریکی را به خود دیده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌ها، سروده‌های دو سال پس از جنگ را بر مبنای مطالعات ژانریک بررسی می‌کند و در ارتباط با فرامتن تاریخی - اجتماعی تحلیل خواهد کرد.

## پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر اهتمام دارد:

- فرامتن‌های تاریخی - اجتماعی شعر دفاع مقدس در دو سال پس از جنگ کدام است؟
- فرامتن‌های تاریخی - اجتماعی سال‌های ۶۸ و ۶۹ به تداوم یا شکل‌گیری کدام زیرژانرهای غنایی شعر دفاع مقدس می‌انجامند؟

## چارچوب نظری

شعر دفاع مقدس، آنچنان که از عنوانش برمی آید، یک جریان شعری است که حول محور جنگ شکل گرفته است. جنگ می تواند فی نفسه عاملی برای ایجاد جریانی ادبی باشد؛ به عبارت دیگر رخداد جنگ، به منزله امری تاریخی و زمانمند با زمینه های بروز، سیر تاریخی و پیامدهای مشخص، کنشگری عمده در شکل گیری شعر این دوره است و می توان نقش چندگانه آن را ذیل فرامتن های تاریخی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و اندیشگی (ایدئولوژیک)، بررسی کرد. منظور از فرامتن «مجموعه سازه هایی است که گرچه بیرون از متن قرار دارند اما پیوسته با آن در تعامل هستند و مهم ترین آن ها عبارتند از رسانه ها، ارتباط با ملل دیگر، آحاد انسانی، ایدئولوژی، قدرت سیاسی، اقتصاد، حوادث تاریخی و محیط جغرافیایی» (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۴). به عبارت دیگر فرامتن عبارت است از آنچه بیرون متن است اما بر متن تأثیر دارد. این تأثیر و رابطه میان متن و فرامتن، رابطه ای علی و معلولی نیست بلکه بر مبنای نسبتی تناظری است. در این رابطه دو وضعیت توصیف می شود که با «نظر» به یکدیگر شکل می گیرند و رشد می کنند. تأثیر فرامتن ها از لایه انگاره ای<sup>۳</sup> (زمینه های معنایی - عاطفی و پس زمینه های فکری - فلسفی آثار) فراتر می رود و در شکل گیری فرم و ساختار متن نیز مؤثر است. فرامتن و متن «به این ترتیب، ضمن اینکه هر یک به طور مستقل رشد درونی خود را دارند، تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته، بینشان رابطه تأثیر و تأثر متقابل برقرار می گردد» (همان: ۴۳). از این رو جریان شعری دفاع مقدس بر اساس کیفیت تأثیر پذیری از پدیده جنگ به دو بخش کلی قابل تقسیم است:

(الف) فرامتن محور: شامل شعرهایی است که تحت تأثیر مستقیم فرامتنی خاص از تاریخ جنگ سروده شده اند.

(ب) بافت محور: شامل شعرهایی است که در تعامل با بافت تاریخی جنگ و حول محور محتوایی آن سروده شده اند (یگانه، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

جنگ به عنوان پدیده ای تاریخی زمانمند و مکانمند، ابعادی فراتر از تاریخ دارد و دامنه تأثیر و تأثر آن، دیگر ابعاد زندگی انسانی را در بر می گیرد؛ از آن جمله بعد اجتماعی است. به عبارت دیگر جنگ تعارضی بزرگ است که هیچ یک از جنبه های زندگی یک جامعه در رویارویی با آن، سالم و کامل نیست و تمامی ابعاد آن دچار تغییر و دگرگونی می شوند (کاپلو و ونسن، ۱۳۸۹: ۴۴). از این منظر جنگ، واقعیتی زنده در سطح جامعه است که تحت یک سلسله علل به وجود آمده و دارای کارکردهایی است. این پدیده نسبی و غیرطبیعی است و با دیگر پدیده های اجتماعی تعامل دارد و گستردگی آن به گونه ای است که کلیت جغرافیای طبیعی و انسانی یک کشور را در بر می گیرد. جنگ از جمله پدیده های اجتماعی محسوب می شود که دارای بعد ارزشی است و هویت تاریخی جامعه تا حدودی به آن وابسته است (میرزایی میانه، ۱۳۹۰: ۶۲ - ۶۵).

این پدیده دارای پیامدهایی در سطح جامعه است. منظور از پیامد، «یک سلسله عوارض و تغییرات ناشی از وقوع جنگ است که در داخل جامعه یا بیرون از مرزها، در سطح محدود یا جهانی، به صورت فیزیکی یا غیرفیزیکی و روانی» (نک: میرزایی میانه، ۱۳۹۰: ۱۴۹)، به وجود می آید. شایان ذکر است که پیامدهای جنگ، لزوماً منفی نیست و جنگ ها از نظر اجتماعی ابعاد مثبتی نیز دارند که عبارتند از «گسترش تعاون و همکاری در جامعه»، «رفع اختلافات سیاسی میان گروه ها و احزاب در جهت دفاع در مقابل دشمن»، «توسعه فرهنگ تلاش برای افزایش تولید و توسعه فنی و صنعتی»، «ایجاد نهادهایی با زیرساخت های اقتصادی و نظامی»، «تقویت بنیه نظامی» و مانند آن ها (ر.ک. همان: ۱۴۹-۱۵۰).

پیامدهای منفی جنگ به طور مسلم از پیامدهای مثبت آن، گسترده تر و به دو بخش کلی انسانی و عمرانی قابل تقسیم است. در بررسی جنگ، پیامدهای اجتماعی متعددی رخ می دهد که در هر جنگی، با توجه به ماهیت آن، بخشی از آن ها نمود می یابد:

- رشد تدریجی و فزاینده اختلافات طبقاتی در جامعه که ناشی از شرایط بحرانی و غیرعادی زمان جنگ است.
- بروز ناهنجاری های اجتماعی مانند بیکاری، فقر، گرانی و تورم و ...

- انتقال جمعیت و رشد مهاجرت به شهرهای بزرگ با شرایط مطلوب تسلیحاتی و دفاعی؛  
 - اختصاص بودجه برنامه‌های توسعه و عمرانی به جنگ و هزینه‌های ناشی از آن؛  
 - بروز عوارض روانی ناشی از قرار گرفتن عموم افراد یک جامعه در جریان جنگ؛  
 - تمرکز توان نهادهای اجتماعی به جنگ و غفلت از ساختارهای اجتماعی؛  
 - رشد آماری مرگ و میر، به‌ویژه در قشر جوان جامعه، و فزونی خانواده‌های بی‌سرپرست؛  
 - ویرانی مناطق شهری و روستایی و فشار ناشی از بازسازی آن؛  
 - تخریب و انهدام مراکز صنعتی و اقتصادی (شایان‌مهر، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۳ و میرزایی میانه، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۲)

بر این اساس جنگ عراق علیه ایران (به عنوان طولانی‌ترین جنگ در جهان معاصر) دارای پیامدهای مثبت و منفی، در سطح جامعه ایرانی است و در سیر تطور شعر دفاع مقدس، به عنوان یک فرامتن، و طی ارتباطی تناظری تأثیرگذار است. از میان پیامدهای مثبت جنگ، «گسترش تعاون و همکاری» به جهت دفاع در برابر دشمن توجه شاعران را جلب کرده است و بسیاری از پیامدهای منفی در تطور شعر جنگ، تأثیر آشکار داشته‌اند.

شعر جنگ در سال‌های پس از این رویداد، شعری غنایی است. آنچه امروز به عنوان ادبیات غنایی نامیده می‌شود «ترجمان تأثرات و احساسات عمیق شخص شاعر و بیان‌کننده شادی‌ها، غم‌ها و آرزوهای فردی او خصوصاً عشق است» (رزمجو، ۱۳۹۰: ۶۸). شعر غنایی از انواع اصلی شعر فارسی است که زیرژانرهای متعددی را در بر می‌گیرد: شعر ستایشی، عاشقانه‌سرایی زمینی و آسمانی، مناجات‌نامه، وصفیات، مدیحه و مرثیه‌سرایی و هجو، شعر تفننی (هزلی، فکاهی) و طنز.

هدف نخستین شاعر در آثار غنایی «گزارش عواطف درونی در صورت بیانی زیباست. دایره این عواطف بسیار گسترده و در عین حال متنوع است... در این ژانر، "تعلیم" و یا "روایت"، هدف نخستین شاعر نیست» (زرقانی، ۱۳۹۰: ۱۰۹) و مرجع روایت آن، «من» سراینده محسوب می‌شود. شمیسا در *انواع ادبی شعر غنایی* را به دو شاخه عمده تقسیم می‌کند: اشعار احساسی و عاطفی و اشعار عاشقانه. او در تعریف می‌گوید: «یک معنی ادب غنایی اشعاری است که از احساسات و عواطف فردی سخن می‌گوید، در این صورت شاعر، با نگاهی عاطفی و درونی به مسایل و مشکلات خود، رنگ فلسفی و جامعه‌شناختی می‌دهد و با طرح دیدگاه‌های روانی و فلسفی، موقعیت انسان را در ارتباط با حیات و ممات، داشتن و نداشتن، خوشبختی و بدبختی، عشق و نفرت و امثال این‌ها مؤثر و معمولاً آندوهناک توصیف می‌کند... معنی دیگر ادب غنایی اشعار عاشقانه است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در اشعار عاشقانه، سه معشوق زمینی، آسمانی و زمینی - آسمانی متصور است که در ادب غنایی ما، بیشتر این معنی دوم مرسوم است (همان: ۱۲۸-۱۳۰).

اما آنچه در شعر دفاع مقدس در این دوره ادبی، غنایی خوانده می‌شود از نوع اول است. پرداختن به مقوله جنگ از منظر احساسات و عواطف شاعر در مقام «من» نوعی یا «ما»ی اجتماعی و واکاوی ابعاد روانی، فلسفی و اجتماعی، تعریفی است که می‌توان از ژانر غنایی دفاع مقدس در این دوره ارائه داد. بر این اساس در ادبیات معاصر، شعر دفاع مقدس تعریفی تازه از شعر غنایی ارائه می‌کند که محوریت آن به جای «من» محدود و شخصی شاعر، بر «من» نوعی و گاه «ما»ی اجتماعی است که به نمایندگی از جامعه خود به بیان احساسات و عواطف جمعی پیرامون پدیده جنگ عراق علیه ایران به عنوان فرامتنی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک می‌پردازد. بر این اساس حوزه انگاره‌ای ژانر غنایی زیرژانرهای متعددی را در بر می‌گیرد و گاه به انگاره‌های حماسی و تعلیمی نیز متمایل می‌شود و نوعی آمیختگی با ژانرهای دیگر در آن به چشم می‌خورد (ر.ک. حاکمی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۸). اما آنچه برای جلوگیری از بروز آشفتگی در طبقه‌بندی انواع باید مورد توجه قرار گیرد، عنصر غالب است که در شعر غنایی حول محور روایتی «من» شکل می‌گیرد و در حوزه‌های متفاوت فردی، نوعی و گسترده و اجتماعی بروز پیدا می‌کند. بر این اساس قرار دادن شعر دفاع مقدس در ژانر غنایی به معنای نفی و انکار بن‌مایه‌ها و عناصر حماسی آن نیست. شعر غنایی دفاع مقدس در این

دوره، دارای زیرژانرهایی است که در ادامه بررسی می‌شود. شایان ذکر است که طبقه‌بندی زیرژانرها بر اساس عنصر غالب انگاره‌ای صورت گرفته است و به معنای انکار دیگر بن‌مایه‌های محتوایی نیست.

آنچه در مطالعه ژانرهای ادبی به چشم می‌آید، نقش فرامتن‌ها از جمله فرامتن‌های تاریخی و اجتماعی در سیر تطور و دگرذیسی ژانر و زیرژانرهاست. در این باره باختین تأکید می‌کند «تکامل ژانرها همان‌قدر به دگرگونی‌های اجتماعی - تاریخی وابسته‌اند که به دگرگونی‌های شکل» (به نقل از احمدی، ۱۳۷۰: ۵۱). از آنجا که در هر دوره‌ای یک ژانر مسلط وجود دارد و سایر ژانرهای دیگر در طیف ژانریک (generic spectrum) آن قرار دارند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۰)، شعر دفاع مقدس نیز ذیل یک ژانر (غنایی) واقع می‌شود و ژانرهای دیگر در طیف آن قرار دارند. بنابراین تحلیل و بررسی‌ها بر مبنای ژانر مسلط غنایی و تطور و دگرذیسی زیرژانرهای آن شکل می‌گیرد.

نکته قابل ذکر آن است که برخی از مخالفان شیوه‌های مبتنی بر بررسی ژانرها، از جمله موریس بلانشو (۱۹۰۷ - ۲۰۰۳ م.) و ژاک دریدا (۱۹۳۰ - ۲۰۰۴ م.)، معتقدند اصالت با اثر ادبی است و سخن در یک ژانر محدود نمی‌شود و می‌تواند به چند ژانر تعلق داشته باشد (همان: ۲۵). تودوروف در این زمینه می‌گوید: «ضرورتی وجود ندارد که اثری ادبی وفادارانه در گستره یک ژانر خاصی باقی بماند» (به نقل از احمدی، ۱۳۷۰: ۲۸۹). از این رو برای ممانعت از طبقه‌بندی تحمیلی متون، عنصر غالب بر اساس تعاریف مذکور از ژانرهای ادبی، مبنای طبقه‌بندی قرار گرفت و قرار دادن اثری ذیل ژانری خاص، به معنای انکار سایر وجوه ژانری آن نیست.

### بحث و بررسی

شعر دفاع مقدس، پس از اتمام جنگ بیش از پیش بر پیامدهای اجتماعی جنگ متمرکز شد. شعر دفاع مقدس در دو سال پس از جنگ، به میزان تقریباً مساوی، دربرگیرنده آثار فرامتن‌محور و بافت‌محور است (۵۲/۳۸٪ فرامتن‌محور، ۴۷/۶۱٪ بافت‌محور). بر این اساس می‌توان آن را جریانی متعادل در ارتباط‌های تناظری به حساب آورد که به یک میزان به پیامد و پدیده جنگ پرداخته است. بر این اساس آثار بافت‌محور در ارتباط با پیامدهای اجتماعی جنگ ایجاد شده‌اند و شکل‌گیری آثار فرامتن‌محور، تحت تأثیر بُعد تاریخی - اجتماعی آن است.

**فرامتن تاریخی - اجتماعی شعر دفاع مقدس:** شعر دفاع مقدس، در دوره جنگ، تحت تأثیر فرامتن تاریخی - نظامی ایجاد شد و با خاتمه آن، فرامتن تاریخی - اجتماعی است که بستری برای بروز تأثیرگذاری فرامتن بر متن فراهم می‌کند. به عبارت دیگر شعر دفاع مقدس در این دوره، طی ارتباط تناظری مستقیم و غیرمستقیم با فرامتن تاریخی - اجتماعی جنگ شکل گرفته است. از آنجا که بستر بروز فرامتن مذکور، برهه مشخصی از تاریخ است، از این رو بررسی فرامتن تاریخی - سیاسی دو سال پس از جنگ، ضروری می‌نماید. سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ نخستین سال‌های پس از دفاع مقدس در تاریخ ایران است؛ این دوره رویدادهای سیاسی عمده‌ای را شامل می‌شود که پیامد اجتماعی آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شعر دفاع مقدس تأثیرگذار بوده است. حصری اهم رویدادهای سیاسی این دوره را به شرح زیر بیان می‌کند:

□ **سال ۱۳۶۸:** به‌ویژه نیمه نخست آن، شامل رویدادهای عمده در تاریخ سیاسی ایران، بعد از جنگ، است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عزل آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری مورخ ۶۸/۱/۶؛  
- بازنگری قانون اساسی ایران به فرمان امام که در مورخ ۶۸/۲/۴ صادر شد و موجب تحول در ساختار سیاسی کشور و گرایش به نوعی تمرکزگرایی در ساختار تصمیم‌گیری و رفع برخی موانع اجرایی شد.  
- رحلت امام خمینی<sup>(ع)</sup>، رهبر انقلاب اسلامی ایران، در ۶۸/۳/۱۳ و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به جانشینی وی توسط مجلس خبرگان؛

- انتخاب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به سمت ریاست جمهوری در تاریخ ۶۸/۵/۶.

شرایط سیاسی مذکور، ضرورت اتخاذ تصمیم‌هایی را در سیاست خارجی ایران با کشورهای دیگر نمایان ساخت. برقراری روابط با شوروی و حفظ مواضع امام خمینی<sup>(۵)</sup> در مورد ارتباط با امریکا، از عمده‌ترین سیاست‌های خارجی ایران در سال ۱۳۶۸ محسوب می‌شود. ارتباط با شوروی مبتنی بر توافقات نظامی، سیاسی و اقتصادی بود که در خرداد و تیر ۶۸ حاصل شد.

□ **سال ۱۳۶۹:** آغاز طرح‌های توسعه اقتصادی ایران در این سال آغاز شد و سیاست خارجی ایران بر مبنای برقراری ارتباط سیاسی و اقتصادی با سایر کشورها شکل گرفت. این در حالی است که شرایط سیاسی در منطقه خاورمیانه به سبب جنگ عراق با کویت (جنگ خلیج فارس)<sup>۵</sup>، شرایطی بحرانی ارزیابی می‌شد. عرصه سیاست داخلی نیز شامل اختلافات جناحی بود که از زمان جنگ آغاز شده و تا این سال ادامه پیدا کرده بود. در همین سال است که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طی مکاتبات سیاسی مستمر (حدود ۱۲ نامه) با بغداد، زمینه آزادسازی اسیران جنگی را فراهم آورد که از مرداد همان سال عملی شد. یکی از آخرین رویدادهای سیاسی ایران در سال ۱۳۶۹ صدور بیانیه‌ای در زمینه برقراری مجدد روابط سیاسی دو کشور ایران و عربستان بود که در تاریخ ۶۹/۱۲/۲۸ منتشر شد و اساس همکاری‌های همه جانبه دو کشور قرار گرفت. (حصاری، ۱۳۸۳: ۲۹۶-۳۰۴)

شعر دفاع مقدس در این دوره تحت تأثیر فرامتن تاریخی- اجتماعی جنگ، به پیامدهای جنگ به عنوان ماهیتی تاریخی می‌پردازد که یکی از ابعاد آن در سطح اجتماع بروز می‌یابد. این فرامتن‌ها و پیوندشان با زیرژانرهای شعر دفاع مقدس- به ترتیب بسامد- به شرح زیر است:

الف «شهادت افراد خاص» که در دوران جنگ روی داده است و در این دوره شاعر از آن یاد می‌کند. حاصل این رویکرد، تداوم زیرژانر سوگ‌سرایی در شعر دفاع مقدس است.

ب - «بازگشت اسرا» به ایران که اگرچه اقدامی سیاسی - نظامی محسوب می‌شود اما ابعاد گسترده‌ای دارد که شعر دفاع مقدس از منظر تاریخی - اجتماعی به آن نگریسته است. زیرژانر «توصیفی - تکریمی» شعر دفاع مقدس در ارتباط تناظری با این فرامتن ادامه می‌یابد. شایان ذکر است این زیرژانر از تلفیق زیرژانرهای توصیفی و تکریمی شعر دوره جنگ حاصل شده است.

ج- «مظاهر انحراف قشرهایی از جامعه از آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»، از سال‌های پایانی جنگ خود را به شاعران - به عنوان فردی از افراد جامعه ایرانی - نشان داده است و زیرژانر انتقادی شعر دفاع مقدس در ارتباط تناظری با آن تداوم می‌یابد.

**شهادت افراد و سوگ‌سرایی:** تلفات انسانی یکی از پیامدهای منفی جنگ در بُعد انسانی است و از اجزای لاینفک پدیده جنگ محسوب می‌شود. در جریان جنگ میزان مرگ و میرها به شدت افزایش می‌یابد، از میزان مولید کاسته می‌شود و یکی از زیان‌های مستقیمی که به یک جامعه در حال جنگ می‌رسد، مرگ جمعیت جوان است که به‌طور عموم نیروی عمده رزمی را تشکیل می‌دهند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شایان مهر، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۷۳ و آشفته تهرانی، ۱۳۹۰: ۲۹۷-۲۹۹). بنابراین کشته شدن رزمندگان از فصول لاینفک رویداد جنگ است که با وجود ابعاد گسترده، در مطالعات استراتژیک تنها به عنوان داده‌های آماری مورد توجه است و دارای ابعاد گسترده‌ای است که در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرات چشمگیری دارد. اما رویکرد اجتماعی، این پیامد جنگ را فراتر از اعداد و ارقام و به منزله نابودی زندگی افراد انسانی می‌نگرد. در این دیدگاه، آنچه مورد توجه است کلیت مرگ افراد است نه فزونی و کاهش تعداد کشته‌شدگان. این همان رویکرد شاعران در مواجهه با فرامتن شهادت افراد است و حاصل آن تداوم سوگ‌سرایی در این دوره بوده است.

رثا در لغت به معنی «مرده‌ستایی و گریه کردن بر مرده و ذکر نیکی‌های او، همچنین شعر گفتن در باب مرده با اظهار تأسف است و مرثیه نیز نوعی شعر است که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می‌شود»

۱۴۰۲  
 دهخدا، ۱۳۵۸: ذیل رثا). سوگ‌سرایی (رثا) یکی از زیرژانرهای غنایی است که از معنای لغوی خود فراتر می‌رود و رویکرد انگاره‌ای آن بر مبنای بیان احساسات و عواطف سراینده شکل می‌گیرد. رثا دو محور انگاره‌ای دارد: مرگ افراد خاص (پادشاه، وزیر، رجال علم و ادب، ائمه دین به‌ویژه امام حسین<sup>(ع)</sup>، نزدیکان و آشنایان و حتی خود سراینده) و بیان آلام و مصائب من فردی و اجتماعی (شامل فقدان و تباهی ارزش‌ها، گذشت ایام جوانی، زوال دوره مجد و...) (حاکمی، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۳). بر این اساس سوگ‌سرایی با عناصر فرامتنی، به‌ویژه اندیشگی و تاریخی، در پیوند است و در یک فضای ارتباطی تناظری با آن‌ها، با اوج و فرودها و رویکردهای متفاوت روبه‌رو می‌شود. شعر دفاع مقدس از جریان‌های شعری معاصر است که سوگ‌سرایی در آن نمود دارد و در دوره‌های مختلف آن دارای مظاهر و فراوانی متفاوت است، اما در مجموع سوگ‌سرایی در آن به رثای شهدا محدود می‌شود.

سوگ‌سرایی در دو سال پس از خاتمه جنگ، برجسته‌ترین زیرژانر قلمداد می‌شود و فرامتن شهدات افراد را در دو سطح کلان و خرد، به میزان مساوی، مورد توجه قرار داده است. در سطح کلان امر شهدات در معنای کلی به عنوان یک پدیده‌ای تاریخی - اجتماعی دست‌مایه سوگ‌سرایی شده و در سطح خرد، شهدات فردی/گروهی خاص، زمینه را برای مرثیه‌سرایی فراهم آورده است.

جدول ۱: آثار زیرژانر رثا (دوره دوساله پس از جنگ)

تاریخ سرایش	محور تناظری	تعداد سوگ‌سروده	شاعر	
۶۸ و ۶۹	۲ اثر بافت‌محور	۵	علیرضا قزوه	
۶۸	برای شهید علی عاصمی، فرمانده اردوگاه شهدای تخریب			۳ اثر فرامتن‌محور
	برای شهید مقفوالاثر، سیدحسین طباطبایی			
	برای شهید بهروز مرادی و تمام شهیدان خرمشهر			
۶۸	۳ اثر بافت‌محور	۴	سیمین‌دخت وحیدی	
۶۹	۱ اثر فرامتن‌محور: «به یاد رزمندگانی که به کارون پیوستند»			
۶۸	«به: شهید وحید نظافت»	۲	مجید نظافت	
	شهدات بستگان سراینده			
۶۸	بافت‌محور	۱	مصطفی علی‌پور	

با توجه به جدول بالا حدود نیمی از آثار، بافت‌محور و نیمی دیگر فرامتن‌محور (در رثای شهید/شهیدانی خاص) است. «شهدات» در آثار بافت‌محور، مفهومی کلی است که سراینده طی رویارویی با آن، به سوگواری می‌پردازد. این در حالی است که این امر، در آثار فرامتن‌محور خود را در سوگ شهید یا شهیدانی خاص نشان می‌دهد و مرثیه حول محور رثای «او» یا «آنان» به‌طور خاص، شکل می‌گیرد. بسامد افعال سوم شخص (۱۶۵ از ۲۲۳ فعل) نیز گواهی بر این مدعاست:

- باور کنید آینه‌ای سوخت، خاک شد/ آینه‌ای که جز نفس شعله‌ور نداشت (قزوه، ۱۳۹۰: ۲۱)

تاریخ سرایش آثار بر سال ۱۳۶۸، یعنی نخستین سال پس از پذیرش قطعنامه و خاتمه جنگ، متمرکز است. فراوانی سوگ‌سرودها در نخستین سال پس از خاتمه جنگ، نشان می‌دهد که جنگ پدیده‌ای صرفاً تاریخی نیست که با آتش‌بس، جریان‌های پیرامونی آن نیز منقطع شود. فرامتن تاریخی - اجتماعی جنگ از جمله ابعادی است که پس از جنگ نیز در کشور جنگ‌دیده جاری است. «شهدات افراد»، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های فرامتن تاریخی - اجتماعی، پس از اتمام جنگ مغفول نمی‌ماند و تأثیرات روحی و روانی آن در سطح جامعه نمایان است، هرچند که



با گذر زمان و فاصله گرفتن از دوره جنگ کم‌رنگ‌تر می‌شود. بر این اساس عمده‌ترین رویکرد شعر (رثا)، در این دوره، رویکردی پیام‌محور و احساسی به جنگ است. زیرژانر رثا در این دوره بیش از همه برآمده از آثار علیرضا قزوه و سیمین‌دخت وحیدی است که هر یک در دو دوره پیشین، بیشترین سهم را در سوگ‌سرایی داشتند (وحیدی در دوره اول جنگ و قزوه در دوره دوم) (ر.ک. یگانه، ۱۳۹۴: ۲۵۵-۲۵۶ و ۳۵۶-۳۵۷). و غزل بیشترین بسامد را دارد (۸ غزل، یک شعر نیمایی، یک شعر سپید و یک مثنوی). بر این اساس سوگ‌سرایی یکی از انگاره‌های پویا در شعر دفاع مقدس محسوب می‌شود که سردمداران ادبی آن در سال‌های متمادی به آن توجه داشته و پرداخته‌اند.

- یک شب، کدام شب؟ شب مرگ ستاره‌ها/ یک کهکشان سوخته دیدم که سر نداشت (قزوه، ۱۳۹۰: ۲۱)

- به هر جایی رسیدم با دل تنگ/ به سوگ یاسمن‌ها گریه کردم (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۶)

شایان ذکر است که در این مرثیه‌ها شاعر علاوه بر من فردی، در مقام من نوعی نیز به روایت می‌پردازد و نکته دیگر ارائه توصیف‌های غیرمستقیم از شهید است که در پاره‌ای موارد به تصویرسازی می‌انجامد. نکته دیگر سرایش ۵ اثر، در رثای شهیدی خاص و یک مورد برای گروهی خاص از شهیدان است که ارتباط تنگاتنگ تناظری مرثیه را با فرامتن نشان می‌دهد. استفاده از اوزان خیزابی<sup>۶</sup> ۱۲ رکنی از جمله ویژگی‌های موسیقایی این مرثیه‌هاست که به ایجاد نوعی حرکت و پویایی و نیز گستردگی کلام در ساختار افقی شعر منجر می‌شود.

- در کوله‌بار غربتم یک دل، از روزهای واپسین مانده است/ عباس‌های تشنه لب رفتند، مشک صداقت بر زمین مانده است (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۳)

از منظر علم معانی ساختار سوگ‌سروده‌ها استنتاجی است زیرا از مجموع ۱۶۰ جمله موجود، ۱۲۰ مورد (۷۵٪) دارای اغراض ثانوی است و از آن میان، استفاده از جملات خبری در بیان تأثر و اظهار اندوه بیشترین فراوانی را دارد.

- پیکرهای مهربانشان/ نهنگانی که خونین/ بر اقیانوس دست‌ها/ پیچ و تاب می‌خورند (نظافت، ۱۳۷۲: ۴۹)

- این سرنوشت شعله‌سواران جنگل است:/ ققنوس‌وار- از دل آتش برآمدن/ در رزم خون و خاک- به زانو درآمدن (علی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۰)

نگرش شاعران در این سروده‌ها اثباتی و برآمده از فراوانی وجه اخباری افعال (۷۶/۹۴ درصد از کل افعال) است. آنچه در سوگ‌سرایی با قطعیت تبیین می‌شود بعد احساسی سراینده در رویارویی با کنش مرگ است؛ سوگ‌سرایی، واکنشی ادبی است که سراینده آن را در رویارویی با رویداد مرگ فرد یا افرادی به نمایش می‌گذارد و از آنجا که اندوه از امور ذاتی انسان است و درک آن برای شخص متأثر، بی‌واسطه و قطعی است، انتقال آن نیز به مخاطب بر مبنای قطعیت ذهنی صورت می‌گیرد. در نهایت نگرش ادراکی خواننده نیز نسبت به انگاره، قطعی و اثباتی است. به عبارت کوتاه‌تر قطعیت ذهنی از سراینده به خواننده منتقل می‌شود.

- کدام دست حرامی ز باغ ما گل برد/ که باغ سوخت، دل آتش گرفت، بلبل مرد (وحیدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

این انگاره محوری با زیرانگاره‌هایی تقویت می‌شوند که در ادامه فهرست‌وار و همراه نمونه می‌آیند.

■ اشاره به مقام عرفانی شهید و نیز دستیابی به لقاءاله

- زدند در خم گیسوی عشق دست امید/ سحرگهان و به دیدار آشنا رفتند (همان: ۱۲۷).

■ تکریم مقام شهید

- عبور کردی از این کوچه‌های بی‌مهتاب/ شبی و بر سر عالم سپیده‌زار شدی (همان: ۱۸۶).

■ تقریب محتوایی با واقعه عاشورا

- عباس‌های تشنه لب رفتند، مشک صداقت بر زمین مانده است (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۳).

■ توصیف سجایای اخلاقی شهید

- ز نسل پاک نجابت، ز ایل گل بودند (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).
- «رفتیم اگر نامهربان بودیم» - رفتند اما مهربان بودند (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۳).
- تشییع پیکر شهید
- پیکرهای مهربانشان/ نهنگانی که خونین/ بر اقیانوس دست‌ها/ پیچ و تاب می‌خورند (نظافت، ۱۳۷۲: ۴۹).
- انتقاد از جامعه به سبب فراموشی ارزش‌ها و آرمان‌ها
- در خلوتشان/ صدایت می‌کنم/ نامت را سیلی‌ام می‌زنند/ که بر زبانم بلند رفته است (همان: ۴۳).
- خودآنها می‌به سبب زنده ماندن و احساس حقارت در برابر مقام شهید
- از این میدان، خدایا، تک‌سواران رها رفتند/ چه خواهد کرد طفل همتم با نی‌سواری‌ها (قزوه، ۱۳۹۰: ۱۸).
- روایت از زاویه دید برادر شهید در دو اثر از قزوه و نظافت که دارای دو زیرانگاره است.
- الف - امیدواری به بازگشت رزمنده مفقودالأثر
- تو نیستی و دلت اینجاست، کنار آینه و قرآن/ برادران همه برگشتند، چرا به خانه نمی‌آیی؟ (همان: ۲۳).
- ب - بازگشت به خاطرات مشترک راوی و شهید از دوران کودکی
- صدای دورگه برادرانم/ که شادمانه فریاد می‌کشند/ زمستان خانه را/ شعله‌ور می‌کند/ خوشحالی جوانانه‌شان مسری است (نظافت، ۱۳۷۲: ۴۸).

**بازگشت اسرا (آزادگان) و زیرزائر توصیفی - تکریمی:** بازگشت اسرای ایرانی یکی از آخرین تحرکات نظامی مرتبط با جنگ تحمیلی است که اگرچه تنها فرامتن تاریخی مرتبط با جنگ در این دوره محسوب می‌شود اما از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است و ماهیتی نظامی، سیاسی و اجتماعی دارد. شعر دفاع مقدس به این فرامتن از منظر ماهیت تاریخی - اجتماعی آن نگریسته و حاصل آن، شکل‌گیری زیرزائر توصیفی - تکریمی در این دوره است.

از خاتمه جنگ (مرداد ۱۳۶۷) تا بازگشت اولین گروه از اسرای ایرانی (۶۹/۵/۲۶)، فاصله زمانی دوساله‌ای وجود دارد و این در حالی است که مطابق بند ۳ قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و کنوانسیون سوم ژنو (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ م.)، دو کشور متخاصم موظف به بازگرداندن اسرای طرف مقابل، بدون تأخیر و تعلل‌اند. سرانجام با پی‌گیری‌ها و مذاکرات فراوان، صدام در اوایل اردیبهشت ۶۹، طی نامه‌ای خطاب به مقام رهبری و رئیس‌جمهور وقت، خواستار نشستی در راستای صلح شد و روز عید فطر را برای ملاقات مستقیم در کشور ثالث پیشنهاد کرد. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، در پاسخ آن نوشت: «ما مصممیم که در راه صلح همانند دوران دفاع، اعتماد مردم را به همراه داشته باشیم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۲: ۱۶۰) و پیشنهاد داد قبل از تماس رؤسای دو کشور، نمایندگان از دو طرف در کشور ثالث وارد مذاکره شوند تا زمینه برای تصمیم‌نهایی فراهم آید.

به این ترتیب روند مذاکرات ادامه یافت تا در تاریخ ۶۹/۵/۱۷، ایران طی نامه‌ای بر معاهده ۱۹۷۵ تأکید کرد و صدام در پاسخ، طی نامه‌ای (در مورخ ۶۹/۵/۲۳) آن را پذیرفت و با ذکر جمله «به هر آنچه می‌خواستید دست یافتید» به عنوان مقدمه، ادامه داد: «مبادله فوری و همه‌جانبه اسرای جنگ به هر تعدادی که در عراق و ایران به سر می‌برند، از طریق مرزهای زمینی و از راه خانقین - قصرشیرین و راه‌های دیگری که مورد توافق قرار می‌گیرد صورت خواهد گرفت و ما آغازگر این اقدام خواهیم بود و از روز جمعه ۱۷ اوت ۱۹۹۰ (برابر با ۲۶ مرداد ۱۳۶۹) به آن مبادرت خواهیم کرد... با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد» (همان: ۵۰۵). بر این اساس نخستین گروه از اسرای ایرانی از مرز خسروی وارد ایران شد و هاشمی رفسنجانی در ۶۹/۵/۲۷ خطاب به صدام نوشت: «اعلام پذیرش مجدد معاهده ۱۹۷۵ از سوی شما تبدیل آتش‌بس موجود به صلح دائم و پایدار را هموار ساخت» (همان). هاشمی رفسنجانی خود در این باره می‌گوید: «مکاتبات حساس و کارگشای

اینجانب با صدام دیکتاتور بغداد در فضا و شرایطی خاص از بیم و امید شکل گرفت که در نهایت، به آزادی آزادگان انجامید» (همان).

بازگشت ۴۲۰۴۱ نفر<sup>۷</sup> از اسرای ایرانی نتیجه تلاش‌های دیپلماتیک ایران در دو سال ۶۸ و ۶۹ بود که از چند نقطه مرزی و طی چند سال صورت گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای این افراد را «آزاده» نامیدند و با فرمان ایشان، ستاد رسیدگی به امور آزادگان با بیش از ۲۷۰ واحد ستادی در سراسر کشور ایجاد شد و تأمین نیازهای آزادگان را در زمینه‌های گوناگون (اشتغال، تحصیل، درمان و...) عهده‌دار شد.<sup>۸</sup>

زیر ژانر توصیفی - تکریمی دومین زیر ژانر عمده در دوره دوساله پس از جنگ و زیرژانری تلفیقی است که در ارتباط با فرامتن تاریخی - اجتماعی بازگشت اسرا شکل می‌گیرد و هدف انگاره‌ای آن شامل القای دو محور عمده است: «توصیف بازگشت آزادگان» و «تکریم آزادگان». این دو محور به صورت تلفیقی و انفکاک‌ناپذیر به خواننده القا می‌شود. ناگفته نماند که آثار محدودی در این دوره، جداگانه، به توصیف و تکریم پرداخته‌اند که تعدادشان در هر محور انگاره‌ای از یک مورد فراتر نمی‌رود.<sup>۹</sup> تعداد ۱۰ شعر در مجموعه‌های مورد بررسی در توصیف و تکریم آزادگان و در قالب‌های سپید، چهارپاره، قطعه، قصیده و غزل - با بسامد مساوی - به دست آمد که سراینده‌گان آن - به ترتیب الفبایی - عبارتند از: حسین اسرافیلی، سعید بیابانکی، مشفق کاشانی، موسوی گرمارودی و سیمین دخت وحیدی.

تمامی این آثار در سال ۱۳۶۹ سروده شده است که از مردادماه آن سال، روند تبادل اسرای جنگی میان عراق و ایران پی گرفته شد و تا سال‌های بعد (۱۳۷۷) ادامه پیدا کرد. سال ۶۹ و آثار مذکور، نقطه آغاز زیرژانری است که در سال‌های بعد در ارتباط تناظری با فرامتن مذکور سروده شده‌اند و محدوده زمانی پژوهش گنجایی پرداختن به آن را ندارد.

زیر ژانر توصیفی - تکریمی در ساختار عمودی متمایل به ایجاز و متوسط تعداد ابیات آن ۱۲/۴ بیت است. تنوع قالب‌ها و سراینده‌گان در زیرژانر توصیفی - تکریمی، رویکرد و توجه عمومی شعر دفاع مقدس به فرامتن مذکور را نشان می‌دهد. هر چند که فراوانی قالب‌های کلاسیک این زیرژانر را سنت‌گرا با محتوایی متمایل به نوگرایی نشان می‌دهد. - می‌دانم گرده‌های زخمی‌شان / تازیانه را / در دست‌های وحشی دژخیمان / مایوس کرده است /... / خورشید، بارها / بر زخم‌هایشان / هر صبح / بوسه حسرت نشانده است (اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۸۴-۸۵).

بازگشت اسرا در کنار تمامی رویدادهای تلخ تاریخ دفاع مقدس، باعث ایجاد زمینه‌های شادی و نشاط در جامعه ایرانی شد. این تأثیر از فرامتن مذکور در موسیقی بیرونی و محتوای سروده‌ها قابل بررسی است:

- شهر لبریز سرور است، چه از این بهتر / غم از این خانه به دور است، چه از این بهتر (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

- آمدی در کوچه‌باغ خاطرات / نغمه باران طنین‌انداز شد (بیابانکی، ۱۳۷۳: ۵۵).

تکرار انواع صیغه‌های فعل «آمدن» تقویت‌کننده انتقال انگاره بازگشت آزادگان و توصیف جسمی آن‌ها و وصف شرایط روحی جامعه در رویارویی با فرامتن مذکور است.

- لاله‌های مانده پژمان در دیاران خزان / سوی دشت آشنایی با بهاران آمدند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۲۱۹)

در لایه موسیقی معنوی فراوانی تضاد بیش از دیگر ابزارها، نشانه تمرکز بر توصیف شرایط متضاد جامعه ایرانی و اسرا، پیش از آزادی و پس از آن است که عبارتند از اندوه و شادمانی؛ این فضای متقابل، گاه به صراحت بیان می‌شود و گاه به طور غیرمستقیم توسط واژگانی همچون «شب و روز»، «سحر و غروب»، «تشنگی و باران»، «کویر و دریا»، «بهار و خزان»، «خاموشی و گفتار» و... خود را نشان می‌دهد. در همین راستا استفاده از شبکه تناسبی میان عناصر طبیعت بیشترین نمود را می‌یابد؛ که متضمن برون‌گرایی زیرژانر نیز هست و با فضای روشن و شاد انگاره‌ای متناسب می‌نماید. تلمیح به تاریخ انبیا و اسلام اگرچه نمودی چشمگیر ندارد اما نشانگر تداوم فرامتن اندیشگی «تقدیس امر دفاع در جنگ عراق علیه ایران» است که حول محور فرامتن بازگشت اسرا خود را نشان می‌دهد.

تضاد:

بعد عمری خشک ماندن در کویر / چشم‌هایم رو به دریا باز شد (بیابانکی، ۱۳۷۳: ۵۵).

مراعات نظیر:

- باغ ما پر ز بهار است و، گلستان‌هایش / خرم از خنده نور است، چه از این بهتر (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

تلمیح:

- چشم بر ره مانده یعقوب وطن را باز گوی / دیده‌ات روشن که یوسف‌های دوران می‌رسند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

بنابراین انگاره اصلی در زیرژانر توصیفی-تکریمی عبارت است از «توصیف فرامتن تاریخی-اجتماعی بازگشت اسرای ایرانی به وطن» و «توصیف فضا و حالات روحی جامعه ایرانی در رویارویی با آن»؛ در این راستا تعظیم و بزرگداشت مقام جانباز از بن‌مایه‌های انگاره‌ای محسوب می‌شود که در تمامی آثار وجود دارد و برآمده از رویکرد سراینده نسبت به فردیت تاریخی-اجتماعی آزادگان است و با زیرانگاره‌هایی به شرح زیر تقویت می‌شود:

■ توصیف شرایط جسمی و روحی آزادگان و استقامت آن‌ها در زمان اسارت:

مردان عرصه‌های تهاجم / پیران حجره‌های تفکر / با عقیق زخم / بر بال‌هایشان / پولاد در تحیر، از ایمان سرخشان / از محاصره می‌آیند... (اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۸۵).

■ توصیف شخصیت معنوی آزادگان:

از هفت‌خوان بادیۀ عشق بگذرند / در هفت بحر موج غم او شنا کنند (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

■ یادکرد شهدا در روزهای شادمانی جامعه:

امشب اما در میان سروها / جای روح سبزیپوشان خالی است (بیابانکی، ۱۳۷۳: ۵۶).

**انحراف قشرهایی از جامعه از آرمان‌های انقلاب اسلامی و زیرژانر انتقادی:** یکی از فرامتن‌های تاریخی-اجتماعی جنگ، بروز انحرافات در جامعه بر مبنای منفعت‌طلبی قشرهایی خاص است که برآمده از فراموشی آرمان‌های انقلاب است و با فاصله گرفتن از تاریخ وقوع جنگ تقویت می‌شود. این فرامتن که از پیامدهای منفی جنگ در بُعد انسانی محسوب می‌شود، ذیل عنوان‌های زیر، قابل تقسیم است.

- رشد تدریجی و فزاینده اختلافات طبقاتی در جامعه که ناشی از شرایط بحرانی و غیرعادی زمان جنگ و نتیجه منفعت‌طلبی افراد است.

- بروز ناهنجاری‌های اجتماعی مانند بیکاری، فقر، گرانی و تورم و...<sup>۱۰</sup>؛

- رفاه‌طلبی جامعه که برآمده از آرامش اجتماعی پس از جنگ است و نیز فرصت‌طلبی کسانی که خود را به انقلاب و دفاع مقدس منتسب می‌کردند.

- غفلت از آرمان‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس که دامنگیر جامعه و حتی در مواردی خود رزمندگان می‌شد.

شعر دفاع مقدس در دو سال پس از جنگ با رویکرد انتقادی به فرامتن مذکور می‌پردازد و حاصل آن تداوم زیرژانر انتقادی در جایگاه سومین و آخرین زیرژانر در این دوره است. شعر انتقادی<sup>۱۱</sup> به بیان بخشی از باورها و احساسات سراینده، در مقام یک منتقد اجتماعی، اختصاص دارد که به نمایندگی از شعور جمعی، کاستی‌ها و انحرافات جامعه را دریافته است و آن را بیان می‌کند. کلیدواژه این زیرژانر «سنجش و قضاوت» است؛ بر این اساس سراینده در تمام محورهای انگاره‌ای، ابتدا فاصله ماهیتی امری موجود را با الگوی ایده‌آل آن می‌سنجد و بر اساس برآیند آن، به قضاوت و محکوم کردن امر نامطلوب موجود می‌پردازد. شاعران در این زیرژانر به انتقاد از شرایط موجود نامطلوب می‌پردازند و در مقام منتقد به رصد جامعه و تبیین انحرافات آن در قبال رویداد دفاع مقدس می‌پردازد. این آثار انتقادی شامل ۸ سروده، ۶ غزل از علیرضا قزوه، سروده سال ۱۳۶۸ و ۲ شعر نیمایی از مجید نظافت سروده سال ۱۳۶۹ است. سروده‌ها

کوتاه و واجدِ ایجازِ روایی‌اند که خود زمینه‌ساز ابهام‌آفرینی از طریق شیوه‌های بیان ادبی است. تمامی سروده‌ها بافت-محور و از فضای اجتماعی پس از جنگ، برآمده‌اند.

بیشترین فراوانی شعر انتقادی در سال ۱۳۶۸، یک‌سال بعد از خاتمه جنگ، متمرکز است. سال ۶۸، همان‌طور که پیش از این آمد، در تاریخ سیاسی معاصر سال سرنوشت‌سازی محسوب می‌شد، اما آنچه مورد توجه شعر انتقادی قرار دارد، فضای اجتماعی پس از جنگ است؛ با خاتمه جنگ شرایط برای رفاه‌طلبی و منفعت‌جویی اقشاری از جامعه فراهم می‌آید که ناشی از فراموشی آرمان‌های شهدا و یا حتی سوء استفاده از نام و مقام آن‌هاست. این دوره، نقطه آغاز شعر انتقادی پس از جنگ است که در سال‌های بعد نیز تداوم می‌یابد. سروده‌های علیرضا قزوه، همانند دوره دوم جنگ، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است (ر.ک. یگانه، ۱۳۹۴: ۳۲۶-۳۲۹). بسامد بحر رمل در سروده‌ها و کم‌توجهی به ابزار موسیقی‌ساز داخلی (پنج مورد تکرار، یک مورد سجع مطرف و یک مورد جناس اشتقاق) نشان‌دهنده تمرکز شاعران بر انتقال معنی‌آفرینی است.

فراوانی تناسب‌گریزی، خود زمینه‌ساز هنجارگریزی معنایی است. «هم‌نشینی واژه‌ها بر اساس قواعد معنایی حاکم بر زبان هنجار، تابع محدودیت‌های خاص خود است» (نک: صفوی، ۱۳۹۰: ۵۵) و عدم رعایت آن به برجسته‌سازی ادبی منجر می‌شود. تناسب‌گریزی که از ابزارهای موسیقی‌ساز زیرژانر انتقادی در دوره اول جنگ، به‌ویژه در اشعار سلمان هراتی، بود (نک: یگانه، ۱۳۹۴: ۲۷۷) به آرایه مسلط بر شعر انتقادی این دوره تبدیل شده و بیش از همه در آثار علیرضا قزوه مجال بروز یافته است. در ادامه نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

- دره از تاریکی سیال لبریز است (نظافت، ۱۳۷۲: ۵۵).

- کو قلمدان صداقت، کو مرکب‌دان درد (قزوه، ۱۳۹۰: ۲۴).

- قحط باران بود و روز مرگ اقیانوس‌ها/ شب نخفتیم از صدای گریه فانوس‌ها (همان: ۲۴).

بیشترین سهم در بررسی معانی جملات به اظهار تأثر و اندوه تحت جملات خبری تعلق دارد. این فراوانی با سطح انگاره‌ای آثار که حول محور انتقاد شکل گرفته، متناسب است. پس از جملات خبری اغراض ثانوی در جملات پرسشی نمود دارد. در ادامه نمونه‌هایی از هر دو مقوله می‌آید.

□ جملات خبری برای اظهار تأثر و اندوه:

- دسته‌گل‌ها دسته‌دسته می‌روند از یادها (همان: ۲۲).

□ جملات پرسشی برای بیان توبیخ و ملامت:

- تا به کی سر می‌نهی بر بالش کابوس‌ها (همان: ۲۴).

با توجه به فراوانی انواع افعال، بیشترین سهم از آن زمان حال و مضارع اخباری است که در راستای انگاره انتقاد، محسوب می‌شود، زیرا انتقاد از جمله محورهای موضوعی است که متوجه شرایط کنونی و زمان حال است.

□ مضارع اخباری / سوم شخص مفرد

- کهکشان در کهکشان اسطوره می‌غلند به خاک/ برتر از اسطوره‌های عهد دقیانوس‌ها (همان: ۲۴).

محور انگاره‌ای انتقاد در این دوره، شامل انتقاد محدود از «شما» و «ایشان» نوعی است و مرجع آن قشرهای خاصی از جامعه‌اند که تحت صفات کلی مانند منفعت‌طلبان، متظاهران به دینداری و انقلابی بودن، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. این اقشار یا شهید و آرمان‌هایش را فراموش کرده و یا جهت کسب منافع گوناگون، به سوءاستفاده از نام و مقام آن‌ها پرداخته‌اند. چند نمونه:

- سایه را از دشت، تاراندیم/ اما/ دره از تاریکی سیال لبریز است (نظافت، ۱۳۷۲: ۵۵).

- سخت گمنامید، اما ای شقایق سیرتان/ کیسه می‌دوزند با نام شما شیاها (قزوه، ۱۳۹۰: ۲۲).

- وقتی بهشت را به زر سرخ می‌خرید/ چشمانتان شکاف تنور قیامت است (همان: ۲۰).

علاوه بر این از زیرانگاره‌هایی نیز در پردازش محورهای عمده‌انگاره‌ای استفاده شده است که همراه نمونه در ادامه می‌آیند.

■ انتقاد از فقدان عدالت:

وقتی دل شکسته نیستان غربت است/ تنها بهشت گم‌شده‌ما عدالت است (همان: ۲۰).

■ انتقاد از سکوت جهانی در جریان جنگ:

آه! دنیا باز در مرگ شقایق صبر کرد/ آه! لعنت بر زبان بسته‌ناقوس‌ها (همان: ۲۴).

■ ترغیب مخاطب به رفع شرایط مورد انتقاد:

چهره‌آیین‌هامان سخت پنهان مانده است/ پرده بردارید از خوش‌رقصی سالوس‌ها (همان: ۲۴).

■ فقدان مصونیت شاعر در جایگاه منتقد اجتماعی و متهم ساختن آن:

پنهان کنید یوسف اندیشه‌مرا/ وقتی که دزد راه، زلیخای تهمت است (همان: ۲۰).

### نتیجه‌گیری

شعر دفاع مقدس در دو سال پس از جنگ (۱۳۶۸ و ۱۳۶۹) ادامه پیدا می‌کند و از منظر ارتباط تناظری جریان‌ی متعادل محسوب می‌شود که فراوانی آثار فرامتن‌محور و بافت‌محور (۱۱ و ۱۰ مورد) در آن، تقریباً به یک‌اندازه دیده می‌شود. در این دوره بعد تاریخی - اجتماعی جنگ مورد توجه شاعران قرار گرفته و زمینه‌ساز تداوم دو زیرژانر رثا و انتقادی و ایجاد زیرژانر توصیفی - تکریمی شده است. اوضاع اجتماعی ایران پس از خاتمه جنگ و بازگشت اسرای جنگی تأثیرگذارترین عوامل در سروده‌ها ارزیابی می‌شود. با توجه به تاریخ سرایش آثار، بیشترین آثار سروده‌شده دوره پس از جنگ، متعلق به سال ۱۳۶۸ است که عمده آن متعلق به زیرژانر سوگ‌سرایی و حول محور فرامتن «شهادت افراد» است. بر این اساس جریان شعری دوره پس از جنگ شامل سه زیرژانر است که به ترتیب بسامد عبارتند از «سوگ‌سرایی»، «توصیفی - تکریمی» و «انتقادی»؛ از این میان زیرژانر توصیفی - تکریمی نیز مانند زیرژانر انتقادی، از برافزوده‌های پژوهش بر خانواده ژانریک غنایی در شعر فارسی است. زیر ژانر سوگ‌سرایی نیز اگرچه در ادبیات فارسی پیشینه‌ای قابل توجه دارد، اما در شعر این دوره تنها به رثای شهید محدود می‌شود. سطح انگاره‌ای تحت تأثیر فرامتن تاریخی - اجتماعی است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را جریانی پیام‌محور به حساب آورد که تداوم و بروز زیرژانرهای مذکور در راستای آن حاصل شده است. در شعر این دوره، جنگ هویتی زمانمند است که ماهیت تاریخی - اجتماعی آن، از محدوده زمانی وقوع آن فراتر می‌رود و سال‌های پس از آن را نیز در بر می‌گیرد. بر همین اساس سه محور انگاره‌ای «شهادت افراد»، «بازگشت اسرا» و «انتقاد از فراموش شدن آرمان‌های شهدا در سطح جامعه و منفعت‌طلبی قشرهایی از جامعه» مبنای سرایش‌های این دوره قرار می‌گیرد و هر سه به‌نوعی با فرامتن‌های تاریخی - اجتماعی جنگ در ارتباطند. در سطح بلاغی بیان استعاری، بیان مسلط بر آثار شمرده می‌شود که زمینه‌ساز ابهام، ایجاز و اغراق بیشتر است. به عبارت دیگر دوری از صراحت بیان و تمایل به تصویرسازی ادبی از ویژگی‌های شعر این دوره است که در زیرژانر رثا به هنجارگریزی معنایی می‌انجامد.

ساختارهای نحوی اگرچه منطبق بر شیوه معیار است، اما تمایل به هنجارگریزی‌های نحوی در زیرژانر انتقادی و سوگ‌سروده‌های مجید نظافت آشکار می‌شود. از میان طرح‌های واژگانی، بیشترین فراوانی به روابط بینابین اختصاص دارد. نگرش اثباتی و ارزش‌گذاری‌های کلی از جمله ویژگی‌های آن از منظر ساختار و سازمان است و زاویه روایتی آثار بر زمان گذشته و حال متمرکز است. این تمرکز زمانی به دلیل انطباق تاریخ سرایش آثار با سال‌های پس از جنگ است. به عبارت دیگر محور انگاره‌ای حول رویدادی شکل گرفته که در پیشینه زمانی روی داده و تأثیرات آن در زمان حال باقی است. عملکرد زبان، احساسی و رویکرد آن استنتاجی است. رایج‌ترین قالب، غزل به‌ویژه غزل کلاسیک است که بیش از همه در زیرژانر رثا نمود دارد. بیشترین سروده‌ها ابتدا از علیرضا قزوه و پس از آن، سیمین دخت وحیدی

است که بیشترین آثار آن‌ها به زیرژانرهای رثا و انتقادی تعلق دارد. اسامی سراینده‌گان، به ترتیب تعداد آثار عبارت است از: علیرضا قزوه، سیمین‌دخت وحیدی، مجید نظافت، حسین اسرافیلی، سعید بیابانکی، مصطفی علی‌پور، مشفق کاشانی و موسوی گرمارودی.

### منابع

- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای آرتشی*، تهران: دانژه.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*، ج ۲، تهران: مرکز.
- اسرافیلی، حسین (۱۳۷۲). *در سایه ذوالفقار*، تهران: دفتر حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- بیابانکی، سعید (۱۳۷۳). *ردپایی بر برف*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۶). *تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران* (و انواع شعر غنایی)، تهران: دانشگاه تهران.
- حصاری، علی اکبر (۱۳۸۳). *تاریخ فرهنگی - سیاسی معاصر*. قم: هاجر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۸). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رزمجو، حسین (۱۳۹۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، ج ۳، ویرایش ۴، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۰). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم به انضمام نظریه تاریخ ادبیات*، ج ۲، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم*، تحریر ۲، تهران: ثالث.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۹۱). *دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *موسیقی شعر*، ج ۸، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *انواع ادبی و ویراست*، ج ۴، تهران: میترا.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، ج ۱، چ ۳، تهران: سوره مهر.
- علی‌پور، مصطفی (۱۳۷۲). *از گلی کوچک رود*، تهران: حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۷). *سوره انگور*، تهران: نکا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *از نخلستان تا خیابان*، چ ۱۶، تهران: سوره مهر.
- کاپلو، تئودور و ونسن، پاسکال (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جنگ*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۷۲). *راهنمای عملیات در جنگ هشت ساله ایران و عراق*، ج ۳، ویراست ۲، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- مسقطی، عبدالخالق (۱۳۸۹). *جنگ دوم خلیج فارس و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: رسانه تخصصی.
- مشفق کاشانی، عباس (۱۳۸۲). *سیرنگ*، تهران: فرهنگ گستر.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹). *سفر به فطرت گل‌سنگ*، تهران: سوره مهر.
- میرزایی میانه، منصور (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی جنگ و آشنایی با دفاع مقدس*، تهران: نبوی.
- نظافت، مجید (۱۳۷۲). *و ناگاه شعرهای متبسم را باد می‌برد: گزیده اشعار ۶۱ - ۷۱*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- وحیدی، سیمین‌دخت (۱۳۸۱). *هشت فصل سرخ و سبز: مجموعه اشعار دفاع مقدس*، تهران: برگ زیتون.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۹۲). *اعتدال و پیروزی: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۹ هاشمی رفسنجانی*، به اهتمام علی لاهوتی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- یگانه، سپیده (۱۳۹۴). *تاریخ ادبی شعر دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۹)*. استاد راهنما: مهین پناهی. دانشگاه الزهرا (س).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *تاریخ تحلیلی دفاع مقدس و بازتاب آن در ادبیات فارسی*. تهران: ایده‌پردازان چکاد.

■ تارنماها

خبرگزاری ایثارگران <http://isarkhabar.com/?p=1577>

خبرگزاری مهر <http://www.mehrnews.com/detail/News/1701485>

## یادداشت‌ها

۱. برگزاری سالانه کنگره سراسری شعر دفاع مقدس با پیشینه‌ای بیست‌ساله، گواهی بر این مدعاست.
۲. استفاده از دو واژه «ژانر و زیرژانر» از این روست که ژانر، معنایی گسترده‌تر از نوع ادبی دارد. زیرا نوع، گاهی بر قالب شعری اطلاق می‌شود و گاهی بر محتوا مانند نوع غزل یا نوع مدیحه؛ (subgenre) نیز در زبان فارسی، معادلی ندارد و در ترجمه آثار کسانی مانند تودوروف از زیرژانر استفاده شده است.
۳. بر ساخته مهدی زرقانی در برگردان Ideological System (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۳).
۴. معادل هفت سال و ۱۱ ماه برابر با ۹۵ ماه و نیز ۲۸۸۹ روز؛ دو برابر مدت زمان جنگ جهانی اول، ۱/۵ برابر جنگ جهانی دوم، سه برابر جنگ کره. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲: ۱۳).
۵. یک سال پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، ارتش عراق در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ م.) با حمله به کویت، این کشور را اشغال کرد و زمینه‌ساز بحرانی بین‌المللی در منطقه خلیج فارس شد. دولت عراق اخطار شورای امنیت را در این باره نپذیرفت و سرانجام آمریکا در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱ م.) با ائتلافی از کشورهای دیگر، ابتدا به کویت و سپس به عراق حمله کرد و ارتش عراق را از کویت بیرون راند. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مسقطی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۷).
۶. عنوان اوزان «خیزایی» از بر ساخته‌های شفيعی کدکنی است و به اوزانی گفته می‌شود که «ساختمان تکرار و شوق تکرار در آن‌ها به‌طور خاصی احساس می‌شود» (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۹۶).
۷. به نقل از خبرگزاری مهر <http://www.mehrnews.com/detail/News/1701485>
۸. به نقل از خبرگزاری ایثارگران <http://isarkhabar.com/?p=1577>
۹. غزل «هفت آسمان» از سیمین دخت وحیدی در تکریم شهدای دفاع مقدس (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۴۷) و شعر «تصویر فتح» از مشفق کاشانی در تکریم رزمندگان در آزادسازی خرمشهر (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۵۹-۱۶۰).
۱۰. مأخوذ از پیامدهای منفی جنگ مطرح شده در شایان‌مهر، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۳ و میرزایی میانه، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۲.
۱۱. شعر انتقادی در هیچ‌یک از منابع مرتبط، از دیدگاه انواع ادبی بررسی نشده است. از آن جمله‌اند: انواع ادبی از سیروس شمیسا، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی از حسین رزمجو، انواع ادبی از محمود عبدیان، تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی از اسماعیل حاکمی.